

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN  
GOOGLESCHOLAR.ENSANI  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۳،  
صفحات ۱۴-۱

## وضعیت حقوقی اشتغال و استخدام معلولین و تاثیر آن در بهبود معیشت آنها

صمد هاشم زاده (نویسنده)  
کارشناس ارشد حقوق عمومی - دانشگاه آزاد تبریز - ایران  
مسئول

ابوالفضل امانی مهترلو  
پژوهشگر دکترای فقه و حقوق اسلامی - با رتبه علمی استادیار - مدرس دانشگاه عضو هیات علمی  
تمام وقت گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورزقان

### چکیده

حقوق معلولان یکی از مسائل اساسی می باشد که تمامی کشورها با آن روبرو هستند و مسائلی که در طول تاریخ معلولان با آن روبرو بودند سیر چندان خوشایندی ندارد و در این خصوص نوع نگاه ما باید عوض شود، تا زمانی که نوع نگاه ما به معلولین تغییر نکند، توفیقی حاصل نخواهد شد معلولان به عنوان یکی از بزرگترین اقلیت ها که جمعیتی بالغ بر یک دهم جمعیت جهان را تشکیل می دهد در اکثر موارد از روی ناچاری به فقر، بیکاری و انزوای اجتماعی تن در داده اند. این افراد که بیش از دو سوم آنان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند، در معرض اشکال مختلف تبعیض و محرومیت های اجتماعی قرار دارند. مسلم است که آنها به مانند سایر افراد انسانی، از کلیه حقوق و آزادی های اساسی که در اسناد بین المللی و داخلی به آنها اشاره شده، بهره مند هستند، در پژوهش حاضر وضعیت استخدام و اشتغال معلولین از منظر حقوق بشر و همچنین مبانی حقوقی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: معلول، اشتغال، حمایت، حقوق بشر.

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,  
Magiran, Ensani,  
GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

Year 2025, Sixth year , Issue 23

Pages 1-14

## The legal status of employment and recruitment of people with disabilities and its impact on improving their livelihoods

Samad Hashemzadeh      Master of Public Law - Tabriz Azad University - Iran  
(Responsible author)

Abolfazl Amani      PhD researcher in Islamic Jurisprudence and Law - with the academic rank of Assistant Professor -  
Mehtarloo      University Lecturer, Full-time Faculty Member, Law Department, Islamic Azad University, Varzeghan  
Branch

### Abstract

The rights of the disabled are one of the fundamental issues that all countries face, and the issues that the disabled have faced throughout history have not been very pleasant, and in this regard, our perspective must change. Until the perspective on the disabled changes, no success will be achieved. The disabled, as one of the largest minorities that make up more than one-tenth of the world's population, have in most cases been forced into poverty, unemployment, and social isolation. These people, more than two-thirds of whom live in developing countries, are exposed to various forms of discrimination and social deprivation. It is certain that they, like other human beings, benefit from all the fundamental rights and freedoms that are mentioned in international and domestic documents. In this study, the employment and employment situation of the disabled has been examined from the perspective of human rights and legal principles.

**Keywords:** Disabled, employment, support, human rights.

**JEL Classification:** Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

## مقدمه

برخورد با گروه معلولان تاریخچه‌ای بس طولانی دارد. اما مهمترین قسمت آن را باید از سال ۱۹۸۰ به بعد جستجو کرد. زمانی که مفاهیم حقوق انسانی (بشر) در تعاریف و برخورد با آنان جلوه گر شد، این نگرش حتی در طبقه بندی افراد دارای معلولیت تأثیر گذاشت و به کلی طبقه بندی‌های قبلی را دگرگون ساخت. در سال ۱۹۸۰ توسط سازمان بهداشت جهانی طبقه بندی جدیدی به نام (ICIDH) ارائه شد که مفاهیم تازه‌ای را در محدوده ناتوانی و معلولیت به همراه داشت.

فرصت‌های استخدامی که در اختیار معلولان قرار می‌گیرد اندک است و در اغلب کشورها از جمله ایران قوانینی مبنی بر الزام کارفرمایان جهت استفاده از معلولین وضع شده است. ولی گاه دیده می‌شود که در اجرای این قوانین اهمال می‌شود و از بکارگیری این افراد در مشاغلی که استعداد و توانایی انجامشان را دارند به خاطر نداشتن ظاهر مورد قبول جامعه، سرباز زده می‌شود. انسان معلول تمام نیازها و امیدهای یک فرد عادی را دارد و می‌خواهد کار کند و مایحتاج زندگی‌اش را برآورده سازد. وی به شدت خواهان استقلال است و هیچگاه دوست ندارد دیگران با او رفتاری ترحم‌آمیز داشته باشند.

معلولین در هر جامعه وجود دارند و جزیی از آن جامعه‌اند، نگهداری از افراد معلول، وظیفه جامعه است اما وظیفه‌ای بس مشکل که گاهی از عهده فرد عادی خارج است. کار کردن و امرار معاش معلولین نیز از مشکلات آنان و جامعه است ولی در هر کشور تدابیری برای این امر اندیشیده شده است. این تدابیر ممکن است در برخی موارد زاینده اندیشه فردی باشد و گاه بر اثر تجربه، و زمانی نتیجه اندیشه و تجربه توأم با روش‌های علمی و سنجیده. به‌طور کلی می‌توان تصور کرد که از هر فرد ممکن است در جایی و به طریقی استفاده شود. برای استفاده از معلولین نیاز به پایگاه، جایگاه و آموزش وجود دارد. طبقه‌بندی آنان و راهنمایی حرفه‌ای و انجام خدمت ویژه از جمله کارهایی است که می‌توان برای معلولان انجام داد.

تاریخ مشخصی برای حضور معلولان در جامعه بشری نمی‌توان ذکر کرد، چه به نظر می‌رسد این گروه همیشه در تاریخ حضور داشته‌اند. لیکن آنچه مشخص بوده است، اینکه هرگاه سخنی هم از آنان به میان آمده با نگرشی همراه با ترحم یا عناد و درشتی برخورد شده است، بدان سان که گویی جامعه اصولاً به آنها نیازی نداشته و ندارد.

برخوردار است. با این حال، گویی منشأ استفاده از واژه‌ی «مردم» مشخص نیست، چراکه تلاش‌ها برای رسیدن به تعریفی مشترک برای این واژه به نتیجه نرسیده است (هاشم زاده، ۱۳۹۵: ۲۵).

تمامی حقوق بشر دارای بعدی جمعی هستند. «دونلی» در این خصوص می‌گوید: «تمامی حقوق بشر برای تحقق کاملشان نسبت به همه، نیاز به اقدام جمعی دارند. با نگاهی به گذشته، همان‌گونه که نظریه‌پردازان قرارداد اجتماعی، که برای اولین بار حقوق بشر مدرن را مطرح ساختند و جامعه و دولت را عمدتاً وسیله‌ای برای تحقق کامل حقوق طبیعی انسان تلقی می‌کردند، می‌توان گفت که این نتیجه بسیار روشن است» (Donnelly, 1985: 521).

در نتیجه، این ادعا که حقوق بشر نسل اول (حقوق سیاسی و مدنی) و نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) حقوق فردی هستند، اما حقوق بشر نسل سوم صرفاً ماهیت جمعی دارند، گمراه کننده است (Marie, 1986: 199). آن‌چه حقوق بشر با خود به ارمغان آورده است، حمایت از نوع بشر در سطح جمعی، علاوه بر سطح فردی است و این یک انتظار و توقع منطقی است که افرادی که معلول محسوب می‌شوند تمایلات، توقعات و آرزوهای مشابه با افراد عادی در اشتغال کامل و مناسب در سطح جامعه داشته و در جهت این

اهمیت توجه به اشتغال از بعد اقتصادی و اجتماعی در معلولین از افراد عادی جامعه بیشتر است زیرا به تجربه ثابت شده است که اثرات سوء بیکاری در بین معلولین در مقایسه با افراد غیر معلول، سریعتر آنان را به مخاطرات ناشی از بیکاری مواجه می‌سازد، از طرفی محدودیتهای شغلی که با توجه به معلولیت آنان وجود دارد شانس انتخاب دیگر مشاغل را کاهش داده و در صورت بیکاری آنان را به افرادی مصرف کننده و هزینه‌زا تبدیل می‌کند (هاشم زاده، ۱۳۹۵: ۱).

بازپروری معلولان به منظور دستیابی به زندگی مستقل به نحوی که خود مسئول زندگی خویش بوده و به خود کفایی برسند و بتوانند به جامعه بپیوندند از اصول شرافت و وقار انسانی محسوب می‌شود که کمک شایانی به بکارگیری این قشر از جامعه در مشاغلی که توانایی انجامشان را دارند می‌کند. در این مقاله سعی شده است هر چند اندک، به مسائل و مشکلات استخدامی معلولین پرداخته شود؛ باشد که این مطالب بتواند به حل این معضل اجتماعی کمک نماید. هر چند این مهم نیاز به فرهنگ سازی در سطح کلان جامعه دارد.

جایگاه حقوق بشر در مبانی حمایتی از معلولین از آن جایی که حقوق بشر به عنوان «حقوق مردم» شناخته شده‌اند، تبیین واژه‌ی «مردم» از اهمیت ویژه

البته متأسفانه مشاهده می‌شود که در اغلب قوانین کارگروه‌های خاصی از معلولین مدنظر قرار می‌گیرند و معلولیت‌ها و ناتوانی‌های جدید و غیرمحسوس را مورد توجه قرار نمی‌دهند. خیلی از افراد تصور درستی از یک فرد معلول ندارند و فکر می‌کنند معلول کسی است که روی ویلچر می‌نشیند و قادر به انجام هیچ کاری نیست، ولی حضور معلولان در عرصه‌های مختلف و انجام کارهایی که گاه افراد غیرمعلول نیز قادر به انجام آن نیستند خلاف این مدعا را ثابت می‌کند. براساس بررسی‌های تخمینی سازمان ملل متحد ۵۰۰ میلیون معلول در دنیا زندگی می‌کنند و این رقم همه ساله رو به افزایش است (هاشم زاده، همان: ۴۸).

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مشتمل بر ۱۶ ماده و ۲۴ تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ در مجلس شورای اسلامی تصویب گردیده و هر چند نظر شورای نگهبان در مهلت مقرر موضوع اصل ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واصل نگردیده با این حال، به استناد قسمت اخیر اصل مذکور، قابل اجرا و دارای تمام آثار قانونی است. این قانون که با لحاظ مقررات بین‌المللی و توجه «جامع» به حقوق معلولان به تصویب رسیده، مسائل و مشکلات این قشر را در کانون توجه خود قرار داده و حاوی

آرزوها و توقعات فرصت‌های یکسان و برابر با افراد عادی جامعه برای آنها فراهم شود تا آنها بتوانند شغل کسب کنند (هاشم زاده، همان: ۴۰).

بر همین مبانی توانمندسازی معلولین و مددجویان یکی از اصولی‌ترین استراتژی‌های دولتها در راستای حفظ و تقویت کرامت انسانی آنان می‌باشد که بر همین اساس راهبرد توسعه کارآفرینی و اشتغال معلولین و مددجویان در برنامه‌ریزی‌های کلان مورد توجه و عنایت ویژه قرار گرفته است.

مبانی حمایتی قانونی از معلولیت‌های نوین

در ایران نیز با وجود تصویب شدن قانون حمایت از معلولین در سال ۱۳۸۳، وضعیت اشتغال این عده همچنان نامعلوم باقی مانده است. در سال ۱۳۸۷ از جمعیت حداقل سه میلیون معلولان کشور تنها ۶۰۰ نفر جذب بازار کار در دستگاه‌های دولتی شدند. بر اساس قانون ۶۰ درصد شغل‌های اپراتوری باید به معلولان اختصاص یابد، که عملاً رعایت نشده است. این در حالی است که ورود افراد دارای معلولیت به بازار کار و استقلال مالی آنان نه تنها باعث رشد اعتماد به نفس آنان می‌شود، بلکه حتی به لحاظ اقتصادی برای دولت‌ها مقرون به صرفه نیز می‌باشد. (بابازاده، ۱۳۸۱: ۵۸)

به طور کلی افراد نابینا با مشکلات اقتصادی بسیاری به دلیل بیکاری و عدم اشتغال مواجه هستند. که در این میان زنان نابینا نسبت به مردان مشکل بیشتری دارند. (کلدی، ۱۳۷۸: ۱۴۷).

به طور کلی طرز نگاه جامعه و فرهنگ ایرانی به معلولیت به عنوان موقعیتی که شخص معلول را به شدت نیازمند می‌سازد و برداشت نا صحیح از تاکیدات بسیار دین اسلام بر دستگیری، اطعام و صدقه دادن به نیازمندان از یک سو و سوی دیگر تاکیدات حقیقی و مجازی در شعر و ادب ایرانی در خصوص معلولیت هایی مانند نابینایی به عنوان مفاهیم منفی و بازدارنده و ناتوان کننده موجب شده اند تا فرد معلول مترادف با فرد نیازمند تلقی شده، متفاوت و مجزا از دیگران تعریف و ارزیابی شود و موجوداتی شناخته شوند که برای تحقق رستگاری دیگران می‌باید مورد اکرام و دستگیری قرار گیرند.

آسیب های اجتماعی تهدید کننده وضعیت معلولین در جامعه من جمله آسیب هایی که ممکن است در سطح جامعه برای معلولین متصور باشد به شرح ذیل است:

الف) رابطه جنسیت و معلولیت

مقررات بسیار مفیدی در حمایت از ایشان می باشد. (امیر ارجمند، ۱۳۸۶: ۲۱۹)

بی توجهی به معلولین در جامعه

معلولیت یکی از دشوارترین موضوعات فراروی ما بوده است. به نظر می‌رسد در میان گروه های کم درآمد مانند بیکاران، کودکان، زنان و مهاجرین، وضعیت معلولین و انسان های ناتوان بیش از سایرین مورد بی توجهی واقع شده است. آنها اغلب در بسیاری از زمینه ها تحت تبعیض قرار می‌گیرند؛ به طوری که نه تنها حقوق انسانی شان نادیده گرفته می‌شود، بلکه منافع اقتصادی که در صورت ارجاع به این افراد عاید خود آنها، خانواده و کشورشان می‌شود نیز به حساب نمی‌آید.

از نظر انسانی، تصور معلولی که احساس بی کفایتی، وابستگی و عدم اطمینان به آینده می‌کند، فردی که اغلب مطرود جامعه بوده یا برای امرار معاش به گدایی رو می‌آورد بسیار ناراحت کننده به نظر می‌رسد. افراد معلول نیز آن دسته از افرادی هستند که دارای نقایص طولانی مدت فیزیکی، ذهنی یا حسی می‌باشند و در تعامل با موانع مختلف ممکن است از نظر مشارکت کامل و موثر بر اساس اصول مساوی با دیگران دچار تأخیر شوند. (معطوفی، ۱۳۸۹: ۷۸).

طرد شدن این افراد از جامعه در کشورهای مورد بحث نیز ابعاد گسترده ای دارد؛ در برخی از این جوامع طرد شدن افراد معلول ریشه در آیین و اعتقادات دینی و فرهنگی مردم دارد بعلاوه برخوردهای منفی و خرافه پرستی، ضدارزش هایی هستند که بر زندگی افراد معلول سایه می اندازد.

بیکاری نیز به عنوان یک معضل اقتصادی قابل بررسی است. طبق آمارهای موجود، در کشور ما میزان بیکاری افراد معلول تقریباً بیشتر از میزان بیکاری در میان افراد سالم است. به بیان دیگر، بی سواد، بیکاری، فقر غذایی و سوء تغذیه، نازل بودن سطح آموزش و تعلیم و تربیت و بهداشت و درمان، عدم امکان برخورداری از سر پناه مناسب که ناشی از فقر و اوضاع اقتصادی- اجتماعی هستند به میزان وسیعی در بروز ناتوانی موثرند.

بدیهی است با اصلاح ساختار اجتماعی- اقتصادی، از بین بردن فقر و محرومیت و بیکاری، ارائه ی خدمات روز افزون بهداشتی و پزشکی و سایر اقدامات لازم می توان ناتوانی را به میزان قابل ملاحظه ای کاهش داد. (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۱)

پ) وضعیت اشتغال برای معلولین

زنان معلول نه تنها به عنوان یک معلول در جامعه تحت تحقیر و تبعیض قرار دارند، بلکه اساساً به عنوان یک زن نگریسته نمی شوند. آنها هیچ گونه جایگاهی در جامعه ندارند. نه در میان خانواده و نه در شغل خود. از یک رابطه عشقی و احساسی که اصلاً صحبتی در میان نیست. کاملاً نرمال است که دختری با عقب ماندگی ذهنی، به همان اندازه امید و آرزو در قلب خود نهان دارد که یک دختر سالم. همانقدر احساسات و نیاز و همانقدر آمال و اهداف. اما متأسفانه دختری با عقب ماندگی ذهنی نه از طرف خانواده و نه از طرف اجتماع، هرگز جدی گرفته نمی شود و هرگز وقتی به خواسته های او گذارده نمی شود. حتی اگر این دختر در خانواده خود بدون تبعیض و ترحم و تحقیر رشد کند، همین که پا به جامعه می گذارد، متوجه می شود که در آخر خط قرار گرفته و به هیچ شمرده می شود. (حسین پور، ۱۳۸۷؛ ۲۳)

ب) وضعیت اقتصادی و اجتماعی و تاثیر آن بر معلولین  
اثرات شرایط اقتصادی- اجتماعی بر ناتوانی در برخی از کشورهای در حال توسعه : افراد معلول به مجموعه ای از امکانات (نظیر خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی، بهره مندی از برنامه های مهارت یابی و حرفه آموزی و خدمات کار یابی) که به طور معمول در اختیار شهروندان عادی قرار می گیرد، دسترسی ندارند.

اما با توجه به شرایط نامناسب بازار کار که باید هر ساله بیش از یک میلیون فرصت شغلی ایجاد گردد و تعداد کثیر فارغ التحصیلان دانشگاهی با توقعات بالا، عملاً معلولین خصوصاً افرادی که مهارت کمتری داشته قادر به پیدا کردن کاری مناسب نخواهند بود. در هر حال با توجه به بررسی های انجام گرفته حتی در کشورهای صنعتی نرخ بیکاری آنان (معلولان) حداقل ۲ الی ۳ برابر افراد عادی می باشد. در این راستا شغل تنها هدف نمی باشد بلکه باید زمینه ای اشتغال مولد و پایدار برای آنان در نظر گرفته شود.

متأسفانه اغلب افراد ناتوان نمی توانند سهم کاملی در مشاغل داشته باشند یا شغل هایی که توانایی انجامش را دارند به دست آورند. آنها همچنین امکان آموزش و ارتقاء شغلی را از دست می دهند. باید توجه داشت که افراد معلول مهارت و توانایی هایی را دارند که همانند افراد غیر ناتوان است و می توانند همانند سایر کارگران بدون نیاز کمک مخصوصی، مؤثر واقع شوند. همچنین برخی دیگر از معلولین می توانند اگر کمک مناسبی به آنها شود به اندازه فرد عادی سودمند و مفید باشند. بنابراین عدم توجه به توان و نیروی کار این افراد نه تنها صحیح نیست، بلکه جامعه را از توانایی های بالقوه آنان محروم می کند. مسئله اشتغال افراد ناتوان به طور کلی احتیاج

نگرش منفی آحاد مختلف جامعه به گروه های مختلف معلولین است که بیشتر زمینه فرهنگی داشته و بجای تاکید بر توانمندی و نقاط قوت معلولین و پرورش استعدادها بیشتر به نقاط ضعف آنان توجه می گردد بطوریکه مسئولین در سطح کشور در برنامه ریزی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمتر به مسائل و مشکلات این قشر از جامعه توجه داشته و جایگاهی در برنامه ریزی برای آنان در نظر نمی گیرند. کارفرمایان بخش خصوصی با توجه به نگرش منفی که به معلولین دارند کمتر به کارآیی آنان توجه کرده و اگر هم کاری به این قشر واگذار گردد از روی ترحم و دلسوزی می باشد.

قشرهای مختلف مردم جامعه حتی طبقات تحصیل کرده از توانمندی های بالقوه و بالفعل معلولین آگاهی نداشته و آنان را افرادی ناتوان می پندارند که قادر به کار نبوده و بیشتر نیاز به کمک های مادی و حمایت مستمر دارند. (معطوفی، ۱۳۸۹:۱۷۰) از نظر اشتغال، مهمترین و اساسی ترین عامل در زندگی معلولین، خودکفایی و استقلال فردی معلول است زیرا تمام هزینه هایی که در فرآیند توان بخشی انجام می گیرد در نهایت در برنامه توان بخشی حرفه ای متبلور گشته، بطوریکه معلول را قادر می سازد در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی جامعه مشارکت داشته باشد.

منتها اجرایی شدن یا نشدن آن را باید در گذر زمان مشاهده کرد چنان که گفته شد اسناد مذکور، ابزارها و راهکارهای مناسبی را جهت شناسایی موانع و بهبود وضعیت معلولان و نهایتاً تحقق آرمان عدالت اجتماعی، ارائه داده اند و چنانچه این راهکارها به صورت یک قاعده بین‌المللی از طرف تعداد زیادی از کشورها به مورد اجرا گذاشته شوند، می‌توانند شکل عرف بین‌المللی را به خود بگیرند. مهم‌ترین دستاورد این اقدامات بین‌المللی را در کشورمان میتوان در قالب قوانین و مصوبات مختلف و به خصوص قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳/۳/۶ مجلس شورای اسلامی و نیز قانون ساختار وزارت رفاه و تامین اجتماعی مصوب ۸۳/۳/۱۷ مشاهده کرد.

با اینکه این قوانین دارای نقایص زیادی هستند و در راه اجرایشان با چالش‌های متعددی مواجه هستند، لیکن این حرکت‌ها می‌تواند زمینه خوبی برای اتخاذ اقدامات بیشتر در جهت حمایت از افراد دارای معلولیت در آینده باشد. (وکیل، ۱۳۸۳: ۳۹)

مبانی اعلامیه حقوق بشر معلولان در سطح جامعه

ملل

در حالی که اصولی چون اصل کرامت ذاتی انسان، اصل برابری و اصل عدم تبعیض که در بسیاری از اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین

به کار مناسب و قائل شدن حق کار برای معلولین دارد. (معطوفی، همان: ۱۶۰)

موانع حمایتی و اشتغال معلولین در جامعه

مساله حمایت از افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که هنوز شاخص‌های کمی و کیفی توسعه در مراحل اولیه پیشرفت قرار دارد و به خصوص در کشورهایی که سازمان بهداشت جهانی اذعان می‌نماید بیش از دو سوم کل معلولان جهان در آنها زندگی میکنند، اهمیت بیشتری می‌یابد و این مساله باز برای کشور ما از این جهت که سال‌ها درگیر جنگ بوده، اهمیت مضاعف یافته است.

این امر بر شمار سایر معلولان ژنتیکی و عارضی (در نتیجه عوامل خارجی غیر از جنگ) افزوده است. عمده‌ترین حمایت‌هایی که در چارچوب اسناد بین‌المللی از افراد دارای معلولیت صورت گرفته، به جز اسناد عامی که حقوق بشر کلیه افراد را مورد شناسایی قرار داده اند و به ویژه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به عنوان تنها سند لازم‌الاجرا که مشخصاً حقوق کودکان دارای معلولیت را مورد توجه قرار داده (ایران نیز به آن ملحق شده است) در سایر موارد عمدتاً در قالب قطعنامه و اعلامیه است.

البته کنوانسیون‌هایی که طی سال جاری میلادی به تصویب رسیده از سوی دولت‌ها با اقبال خوبی مواجه شد.

زمره اسناد بین المللی حقوق بشر طبقه بندی می‌شود. با توجه به این که، سند حاضر در راستای حمایت از اقلیت آسیب پذیری چون معلولان به تصویب رسیده، از این لحاظ در زمره اسناد خاص حقوق بشری گنجانده می‌شود. اما با توجه به ماهیت اعلامیه‌ای سند حاضر، هیچ گونه الزام قانونی و حقوقی برای دولت‌های عضو ایجاد نمی‌نماید و از این جهت اعلامیه حاضر در زمره اسناد غیر الزام آور بین المللی دسته بندی می‌گردد.

قبل از تصویب این سند، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در مورخ ۶ می ۱۹۷۵ قطع نامه شماره (IVIII) ۱۹۲۱ را درباره پیشگیری از ناتوانی و توان بخشی معلولان به تصویب رساند و مدتی قبل از این نیز در ۲۰ دسامبر سال ۱۹۷۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق عقب ماندگان روانی و ذهنی را طی قطع نامه شماره ۲۸۵۶ مشتمل بر ۷ ماده به تصویب رسانده است. (ابدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹)

با توجه به این پیشینه اجمالی، گر چه در سطح بین المللی توجه ویژه‌ای نسبت به معلولان صورت پذیرفته بود، اما تصویب اعلامیه حاضر نخستین گام منسجم در شناسایی حقوق معلولان و توجه ویژه به آنان محسوب می‌شود. گر چه سند حاضر فی نفسه غیر الزام آور است و از این حیث فاقد

المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و... مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، مقتضی برابری تمامی انسان‌ها در بهره مندی از حقوق و آزادی‌ها بدون هرگونه تمایزی از حیث، رنگ، نژاد، جنس، زبان، وضع اجتماعی، ولادت یا هر وضعیت دیگری است (هاشم زاده، همان: ۶۸).

اما واقعیت آن است که چندین میلیون انسان در سراسر جهان، به جهت وضعیت جسمانی یا روانی خاصی که بر آنها عارض شده (معلولان)، با تبعیض‌هایی مواجه می‌شوند که اصل برابری و عدم تبعیض را نقض نموده و تعرض به کرامت انسانی آنها محسوب می‌شود. از این جهت، برای حمایت ویژه و مؤثرتر از این دسته اشخاص بسیار آسیب پذیر که از آنان تحت عنوان معلولان یاد می‌شود، اسناد خاصی در سطح بین المللی و منطقه‌ای و ملی به تصویب رسیده است. اعلامیه مربوط به حقوق معلولان، یکی از این اسناد حقوق بشری محسوب می‌شود که در جهت حمایت بیشتر و مؤثرتر از حقوق معلولان طی قطع نامه شماره ۳۴۴۷ در مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. (عراقی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

سند حاضر از لحاظ قلمرو شمول، دارای گسترده ترین سطح شمول یعنی سطح بین المللی بوده و از این جهت در

کنوانسیون افراد دارای معلولیت به سال ۲۰۰۶ «افرادى هستند دارای نواقص طولانى مدت فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسى که در تعامل با موانع گوناگون، امکان توقف مشارکت کامل و موثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه وجود دارد.»

منشور ملل متحد (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون اروپای حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (۱۹۵۰)، میثاقین حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک و ... همگی بر حمایت از معلولین اشاره‌هایی کرده اند. آنچه از میان نیازمندی های اساسی این قشر پرجمعیت بیشتر مد نظر است، وضعیت اشتغال آنان است تا به این طریق هم بر نگاه جامعه تغییراتی وارد شود و هم این گروه از جمعیت انسانی از فقر بدر آیند. اشتغال معلولین با موانعی همراه است و تسهیل ورود معلولان به دستگاه های دولتی و حرف خصوصی نیازمند توجه ویژه مقنن بر وضعیت حقوقی معلولان می باشد.

مطالعه حقوق کار معلولین از بررسی حقوق کار مطلق بشر آغاز می شود. زمانی که هنوز توجه ویژه ای به این قشر پرجمعیت از جامعه نشده بود. اما این توجه به تدریج در اسناد خاص بین المللی شکل گرفت و با تصویب کنوانسیون افراد دارای معلولیت و تغییر زاویه دید از «ترحم محور» به «حق

ارزش قانونی است، اما نقش برجسته اعلامیه حاضر را می توان در آماده سازی شرایط برای تصویب سند الزام درباره حقوق معلولان در خور توجه دانست. گر چه فاصله زمانی بین تصویب این سند غیر الزام آور و سایر اسناد با تصویب سند الزام آور درباره حقوق معلولان که در سال ۲۰۰۷ صورت پذیرفته بسیار زیاد است و این امر حاکی از عدم تمایل جدی دولت‌ها در توجه به وضعیت حقوق این اقشار آسیب پذیر بنابر دلایل عمدتاً اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... دارد، ولی با این حال گام مثبت در راستای حمایت از حقوق معلولان تلقی می گردد. البته در این بین تحولات متعددی در سطح بین المللی جهت حمایت از حقوق معلولان در سطح بین المللی و منطقه‌ای صورت پذیرفته است. در مجموع تصویب اعلامیه حاضر در دوره ترویج هنجارهای حقوق بشری گام نسبتاً مهمی در جلب توجه بین المللی به این قشر آسیب پذیر محسوب می گردد.

نتیجه گیری

معلولین با جمعیتی بالغ بر ۶۵۰ میلیون نفر از بزرگترین گروه های متفاوت در جهان به شمار می‌روند که وفق بند (ب) ماده ۱ توصیه نامه ۹۹ (۱۹۵۵) سازمان بین‌المللی کار، در نتیجه آسیب جسمی و یا ذهنی امیدشان به طور قابل ملاحظه‌ای برای تحصیل و حفظ کار مناسب کاهش یافته باشد، و طبق آخرین تعریف ارائه شده در ماده ۱

کامل آن می ماند که توقع آن از دستگاه های مسئول - کاملاً بجاست.

امری که جهت نیل به مقصود، فرهنگ سازی و تغییر نگاه مردم از طریق رسانه های خصوصی و دولتی خصوصاً صدا و سیما و همراهی تمامی دستگاه ها و نهادهای عمومی و دولتی را می طلبد.

آخر اینکه هرچند اشتغال معلولین در ایران از بهمن ماه ۱۳۴۶ با تصویب ماده واحده قانون تشکیل انجمن توانبخشی مبنی بر تکلیف دولت در تاسیس انجمن توانبخشی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی به منظور تجدید فعالیت و آموزش حرف و مشاغل مناسب و تقویت روحی کسانی که به علت نقص عضو یا از دست دادن قسمی از توانایی خود، قادر به کار نیستند و تصویب قانون جامع آغاز و در سال ۸۷ با الحاق به کنوانسیون مورد بحث تکمیل شده در ابتدای راه خود قرار دارد و در این هنگامه، تنها ثمره انتقادات آرمانگرایانه بدون توجه به عمر این مبحث در ایران، ارزان نمودن گام های نخست برداشته شده در جاده ای بی انتهاست.

محور» در جایگاهی رفیع قرار گرفت. در ایران نیز سیر تکاملی قوانین حامی معلولان در دهه های اخیر به سرانجامی شایسته رسید. ابتدا در سال ۱۳۸۳ با تصویب قانون جامع، خلا نگاه حمایتی و رفاهی به معلولان تا حدود زیادی برطرف شد. یک اقدام مثبت از جانب قانونگذار که فارغ از نگاه آرمانی و انتقاد به حقوق بشری نبودن آن، هرچند بسیار دیر اما کاملاً لازم بود. چه اینکه واقعیت حال حاضر وضعیت معلولین در ایران به این نگاه بیشتر نیاز دارد و اساساً به نظر می رسد نگاه حقوق بشری بر بستر این حداقل ها تامین می شود. همچنین با وضع این قانون، تبعیض مثبت مقنن ایرانی میان جانبازان و دیگر شهروندان به طور نسبی به معلولین عادی نیز تسری داده شد و از این منظر فاصله تسهیلات ارایه شده به معلولین خاص محصول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با دیگر معلولان کم شد. اتفاق فرخنده ای که در چارچوب منصفانه تر شدن نگاه قانونگذار به همه اقشار معلولین ارزیابی می شود. در سال ۱۳۸۷ نیز با الحاق به کنوانسیون حمایت از معلولان که یک سند جامع در خانواده اسناد حقوق بشری طبق اذعان مقدمه کنوانسیون - و ورود مقررات و ضوابط آن به حقوق موضوعه ایران، فقد نگاه حقوق بشری قانون جامع برطرف شد به گونه ای که هم اکنون با توجه به این دو سند در کنار قوانین و مقررات متعدد و پراکنده دیگر، ادعای رفع چالش های حقوقی این شهروندان متفاوت پر بیراه نیست و تنها اجرای محکم و

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول  
آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای  
ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

## منابع

الف) منابع فارسی

۱. ابدی، سعید رضا؛ آگاه، وحید، ۱۳۹۱، حقوق کار افراد دارای معلولیت در حقوق ایران، مجله توانبخشی، دوره ۱۳، شماره اول.
۲. امیر ارجمند، اردشیر، ۱۳۸۶، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
۳. بابازاده، ملوک (۱۳۸۱)، بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد مسؤولین شهر اصفهان در امر متناسب سازی شهری برای معلولین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۴. حسین پور، لاله، ۱۳۸۷، ماهنامه پیک توانا، شماره ۲، کانون معلولین توانا.
۵. عراقی، عزت الله، ۱۳۸۴، الحاق به مقوله نامه های حقوق بنیادین کار، کار و جامعه، دی و بهمن
۶. کلدی، علیرضا، ۱۳۷۸، بررسی نگرش مردم نسبت به معلولین، طرح پژوهشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۷. کلدی، غلامرضا، ۱۳۷۸، در ترجمه تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی. کوهن آرتور (مؤلف)، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

## پیشنهادات

-عدم توجه کافی به نقش افزایش آگاهی مردم و مسؤولان و بویژه خود افراد معلول در ارتقاء حقوق آنان و نیز فقدان ساز و کارهای اجرایی و نظارتی منسجم، منظم و مستقل جهت اجرا و نظارت بر مقررات حمایتی مزبور، تأمین اساسی ترین حقوق و آزادی های انسانی را برای معلولان کشور دشوار ساخته است که می بایست توسط قانونگذار توجه ویژه ای به آن شود.

-ضرورت گسترش مراکز خاص آموزشی و توانبخشی معلولان واجد شرایط (معلولان نیازمندو بیکار ، معلولان بی سرپرست، معلولان مجهول الهویه، معلولان با ناهنجاری های رفتاری) با همکاری بخش غیردولتی و پرداخت تسهیلات اعتباری به آن ها

## سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.  
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.  
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

۸. محمدی، ناهید، ۱۳۸۵، بررسی نگرش کارکنان سازمان های شهر زنجان نسبت به معلولین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، دانشکده علوم توانبخشی
۹. معطوفی، رضا، ۱۳۸۹، مجله مددکاری اجتماعی، انجمن مددکاری اجتماعی ایران، تهران
۱۰. وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا، ۱۳۸۳، نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد
۱۱. هاشم زاده، صمد، ۱۳۹۵، بررسی نسل سوم حقوق بشر در حمایت از افراد معلول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده حقوق.

(ب) منابع لاتین

1. Donnelly, Jack, (۱۹۸۵), "In Search of the Unicorn: the Jurisprudence and Politics of the Right to Development", California Western International Law Journal.
2. Marie, Richard. N, (1986), "Developing Rights: The UN Declaration on the Right to Development", Netherlands International Law Review.